

Study of Predictors of psychological well-being: Early maladaptive schemas and personality traits in people with marital infidelity

Seyed Mojtaba Aghili*

Sara Broujerdi**

Abstract

The aim of this study was to investigate the prediction of psychological well-being based on early maladaptive schemas and personality traits in people with a history of marital infidelity in people referring to counseling centers in Gorgan. The research method is correlational studies. The population of this study included all men and women with a history of marital infidelity in Gorgan. From this population, 50 people were selected by purposive sampling from among those who referred to the Insight Counseling Center in Gorgan. Young's schema, neo-personality traits and psychological well-being questionnaires were used to collect data. Data were analyzed using Pearson correlation coefficient and regression analysis using SPSS 21-statistical software. Findings showed that among the subscales of personality traits are the components of acceptance, conscientiousness and neuroticism and from the subscales of initial maladaptive schema, distrust, imperfection and shame are predictors of psychological well-being of people with a history of betrayal. Since education to free oneself from the traps of life leads to the promotion of psychological well-being, it is recommended that such skills be taught to couples in order to prevent their tendency to marital infidelity.

Keywords: Psychological well-being, early maladaptive schemas, personality traits, marital infidelity

* **Corresponding author:** Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Iran (dr-aghili1398@yahoo.com)

** MA of Psychology, Payame Noor University, Iran

بررسی پیش‌بین‌های بهزیستی روان‌شناختی: طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ویژگی‌های شخصیتی در افراد با خیانت زناشویی

سید مجتبی عقیلی*

سارا بروجردی**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ویژگی‌های شخصیتی در افراد دارای سابقه خیانت زناشویی در افراد مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر گرگان انجام پذیرفت. روش پژوهش از نوع مطالعات همبستگی است. جامعه‌ی این پژوهش شامل کلیه زنان و مردان دارای سابقه خیانت زناشویی شهر گرگان بود که از این جامعه ۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند از میان افراد مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره بینش شهر گرگان انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های طرح‌واره یانگ، ویژگی‌های شخصیتی نئو و بهزیستی روان‌شناختی استفاده شد. داده‌ها با استفاده از ضریب هم‌بستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون با استفاده از نرم‌افزار آماري SPSS-۲۱ تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که از خرده‌مقیاس‌های ویژگی‌های شخصیتی مؤلفه‌های پذیرش، وظیفه‌شناسی و روان‌نژندی و از خرده‌مقیاس‌های طرح‌واره ناسازگار اولیه، بی‌اعتمادی، نقص و شرم پیش‌بینی‌کننده‌های بهزیستی روان‌شناختی افراد با سابقه خیانت هستند. از آنجا که آموزش‌رهایی از تله‌های زندگی، منجر به ارتقای بهزیستی روان‌شناختی می‌شود پیشنهاد می‌شود که چنین مهارت‌هایی به زوجین، آموزش داده شود تا بتوان مانع از گرایش به خیانت زناشویی آن‌ها شد.

واژه‌های کلیدی: بهزیستی روان‌شناختی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، ویژگی‌های شخصیتی، خیانت

زناشویی

* استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، ایران (نویسنده مسئول)

dr-aghili1398@yahoo.com

** کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، ایران

مقدمه

اولین نقش و وظیفه‌ی هنجارهای اخلاقی یک جامعه تنظیم روابط زن و مرد بر پایه‌ی اصول و منطق است، زیباترین و انسانی‌ترین شکل این قانونمندی ازدواج^۱ است که با یک زیربنای بیولوژیکی و زیستی شکل گرفته و خانواده را به وجود می‌آورد (ترابیان، عامری و خدابخش، ۱۳۹۵). خیانت به‌عنوان شکست در یک قرارداد انحصاری بین دو فرد یکی از دردناک‌ترین تجارب زندگی زناشویی است (خیاط، عطاری و کرای، ۱۳۹۷). تاکنون هیچ آماری درباره میزان شیوع بی‌وفایی زناشویی در کشور ما منتشر نشده است. اما بعضی از تحقیقات اشاره‌هایی به این موضوع کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال، ۳۰ درصد قتل‌های خانوادگی، مربوط به زنانی است که به دلیل رابطه نامشروع و سوءظن^۲، توسط همسران خود به قتل رسیده‌اند. از سوی دیگر، ۲۲ درصد از قتل‌های خانوادگی مربوط به قتل مردان توسط همسرانشان است که در ۴۰ درصد موارد، زنان با همدستی معشوق خود، شوهرانشان را به قتل رسانده‌اند. نداشتن آمار دقیق در کشور ما به منزله‌ی نبود این معضل اجتماعی نیست، بلکه بی‌توجهی ما را نسبت به این آسیب اجتماعی نشان می‌دهد. (عنایت غلام‌پور، عبدالله‌زاده، امیرشاهی و ثناگو، ۱۳۹۶). یکی از عوامل زمینه‌ساز خیانت، ویژگی‌های شخصیتی است. با توجه به این‌که تفاوت در خصوصیات فردی و شخصیت، یکی از موارد مهم و قابل توجه اکثر دست‌اندرکاران در حوزه رفع آسیب‌های اجتماعی است، به نظر می‌آید شخصیت^۳ یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده نارضایتی در روابط زناشویی می‌باشد به گونه‌ای که افزایش خصوصیات نامطلوب شخصیت منجر به افزایش نارضایتی در سطح روابط زوجین خواهد شد (صادقی، ۱۳۹۴). پژوهش‌هایی نشان داده که تفاوت در خصوصیات و ویژگی‌های شخصیتی ممکن است افراد را در معرض خیانت زناشویی قرار دهد. با توجه به نتایج این پژوهش افرادی که دارای شخصیت روان‌رنجور^۴ هستند احتمال گرفتاری در معضل خیانت را دارند (کریمی، یوسفی و سلیمانی، ۱۳۹۶).

از دیگر متغیرهای زمینه ساز خیانت طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۵ است (شاه‌مرادی، خالقی‌پور و مسجدی، ۱۳۹۷). طرحواره‌ها الگوها یا درون مایه‌های عمیق و فراگیری هستند که از خاطره‌ها،

-
1. marriage
 2. suspicion
 3. character
 4. neurotic
 5. early schema

هیجان‌ها، شناخت‌واره‌ها و احساس‌های بدنی تشکیل شده‌اند؛ معمولاً در دوران کودکی و نوجوانی شکل گرفته‌اند، در مسیر زندگی تداوم دارند و به شدت ناکارآمد هستند. هنگامی که طرحواره‌ها فعال می‌شوند اغلب افراد به شیوه‌ای پاسخ می‌دهند که این طرحواره‌ها را در طول زمان حفظ کرده و پایدار نگه می‌دارند (کالوت و اوروی^۱، ۲۰۱۶). زمانی که نیاز خاصی ارضا نشود، طرحواره‌ی ناسازگاری در آن حیطة ایجاد می‌شود. با ارضا نشدن نیازهای دلبستگی و صمیمیت، و سرخوردگی از روابط عاطفی اولیه، طرحواره‌های ناسازگار مربوط به روابط صمیمانه و دلبستگی ایجاد می‌شود. این باورها و طرحواره‌های مربوط به روابط بین فردی در بزرگسالی در همسرگزینی و در تربیت فرزند نمود می‌یابند و بر آن تأثیر مخرب می‌گذارد (احمدی، ماردپور و محمودی، ۱۳۹۹). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که خصوصیات والدین همانند خلق و خو، نشانه‌های اضطراب^۲، الگو قرار دادن رفتارهای دلوپسی و سبک‌های فرزند پروری والدین در مشکلات اضطرابی کودک نقش دارند (کنون، لوبار و بالدوین^۳، ۲۰۱۸). از آنجا که طرحواره‌ها همانند چارچوبی برای پردازش اطلاعات به کار می‌روند و تعیین‌کننده واکنش‌های عاطفی افراد نسبت به موقعیت‌های زندگی و روابط بین فردی هستند، گفته شده است که با رضایت از زندگی رابطه دارند (باگ، کوکسو کلون^۴، ۲۰۱۹). به‌عنوان مثال، کسانی که از زندگی خود رضایت دارند، اطلاعات مربوط به زندگی‌شان را به شکلی طبقه‌بندی می‌کنند که منتهی به نتایج لذت بخشی شود، اما کسانی که از زندگی خود راضی نیستند، به جنبه‌های منفی زندگی مثل افکار منفی، افسردگی^۵ و اضطراب گرایش بیشتری دارند (دهقانی و حکمتیان فرد، ۱۳۹۸). طرحواره‌های ناسازگار در پنج حوزه قرار می‌گیرند: حوزه بریدگی و طرد، حوزه خودگردانی و عملکرد مختل، حوزه محدودیت‌های مختل، حوزه دیگر جهت مندی و حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری (منصوریان، خلعتبری، ترخان، قربان شیرودی و زربخش، ۱۳۹۷).

توجه به میزان شیوع روابط فراخانوشویی نشان می‌دهد که در کنار عوامل روان‌شناختی باید از سایر مکانیسم‌های مؤثر در فرهنگ هر جامعه برای کنترل این آسیب استفاده کرد. پژوهش‌هایی که به بررسی رابطه بین طرحواره‌ها و سایر متغیرها پرداخته بودند به این نتیجه رسیدند: منصوریان و

1. Calot & Orvy
2. anxiety
3. Conon, Lubar, & Baldwin
4. Bug, Cox, & Kelvin
5. depression

همکاران (۱۳۹۷) دریافتند که با توجه به بالاتر بودن میانگین نمرات گروه درمان ایماگوتراپی در پس‌آزمون، می‌توان نتیجه گرفت که نسبت به زوج درمانی هیجان‌مدار در افزایش بهزیستی روان‌شناختی زوجین ناسازگار و درگیر خیانت مؤثرتر بوده است. خیاط، عطاری و کرایبی (۱۳۹۷) در پژوهشی دریافتند که بین تمام متغیرهای پیش‌بین (سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی) و مؤلفه‌های آن‌ها (به جز مؤلفه ویژگی شخصیتی گشودگی که معنی‌دار نبود) با گرایش به خیانت دارای رابطه معنی‌داری بودند. نتایج پژوهش‌های مارک، جنسن و میلهاوزن^۱ (۲۰۱۱) نشان داده است، مردان و زنانی که نمره‌ی کمتری در کنترل تکانه کسب و میزان بازداری کمتری گزارش کرده‌اند به احتمال بیشتری درگیر روابط فرازناشویی می‌شوند. همچنین افرادی که تمایل بیشتری به خیانت دارند میزان هیجانات منفی بیشتری گزارش داده‌اند (باس و شاکلفورد^۲، ۲۰۱۳).

با توجه به اهمیت علل گرایش به خیانت، پژوهش‌های مختلف در زمینه پیشگیری و درمان آن صورت گرفته است اما در ایران هنوز مطالعات در مراحل اولیه است. مطالعاتی از این نوع، علاوه بر این‌که به تبیین نقش ویژگی‌های شخصیتی می‌پردازد، می‌تواند در ارائه آموزش زوج‌ها، کمک در تصحیح امر ازدواج، راهنمایی و مشاوره افرادی که مستعد روابط خارج از چارچوب خانواده هستند، مؤثر باشد. بر این اساس با توجه به حساسیت و پیچیدگی مساله روابط فرازناشویی و ظرفیت بالقوه ویژگی‌های شخصیتی، سؤال اصلی پژوهش حاضر این بود که آیا طرحواره‌های ناسازگار اولیه و ویژگی‌های شخصیتی توانایی پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی را در افراد با سابقه‌ی خیانت زناشویی دارند؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

این پژوهش از نوع مطالعات همبستگی بود. جامعه‌ی این پژوهش شامل کلیه زنان و مردان با سابقه خیانت زناشویی در شهر گرگان بود. ۵۰ نفر به شیوه‌ی نمونه‌گیری هدفمند از میان زنان و مردان مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره بینش شهر گرگان با خیانت زناشویی انتخاب شدند. ملاک‌های ورود و خروج به پژوهش عبارت بودند از دامنه سنی ۲۰ تا ۴۵ سال، تجربه‌ی خیانت همسر برای اولین بار، داشتن حداقل هفت سال زندگی مشترک، حداقل مدرک تحصیلی دیپلم، نداشتن اختلال

-
1. Mark, Jensen, & Milhausen
 2. Bass & Shackelford

حاد روانی و شخصیتی (به تشخیص روان‌شناس مسئول مرکز مشاوره) و زندگی مشترک با همسر.

ابزار اندازه‌گیری

فرم کوتاه پرسش‌نامه طرحواره یانگ^۱: این پرسش‌نامه ۷۵ ماده‌ای توسط یانگ و بارون^۲ (۱۹۹۸) برای ارزیابی ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه ساخته شده است. هر سؤال بر یک مقیاس ۶ درجه ای نمره‌گذاری می‌شود (۱ = کاملاً نادرست، ۶ = کاملاً درست). در این پرسش‌نامه هر ۵ سؤال یک طرحواره را می‌سنجد. چنانچه میانگین هر خرده‌مقیاس بالاتر از ۲۵ باشد آن طرحواره ناکارآمد است. خرده‌مقیاس‌ها عبارتند از محرومیت هیجانی، رها شدگی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، انزوای اجتماعی/بیگانگی، نقص/شرم، شکست‌خورده، وابستگی/بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری در برابر ضرر و بیماری، گرفتار، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه، استحقاق، خویش‌داری/خودانضباطی ناکافی (اوی و بارانف^۳، ۲۰۰۷). ضرایب پایایی آلفای کرونباخ پرسش‌نامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ در زنان ۰/۹۷ و در مردان ۰/۹۸ به دست آمده است (آهی، ۱۳۸۵). در پژوهش شهامت، ثابتی و رضوانی (۱۳۸۹) ضرایب آلفا خرده‌مقیاس بدرفتاری ۰/۹۶، انزوای اجتماعی/بیگانگی ۰/۸۱، ۰/۷۹، نقص/شرم، ۰/۸۹، محرومیت هیجانی، ۰/۸۶، وابستگی/بی‌کفایتی، ۰/۸۴ آسیب‌پذیری نسبت به بیماری، ۰/۸۴، خود تحول نیافته/گرفتار: ۰/۷۷، شکست ۰/۸۹، استحقاق/بزرگ منشی: ۰/۸۹، خودکنترلی ناکافی، ۰/۷۱، اطاعت ۰/۸۲، فداکاری ۰/۸۲، بازداری هیجانی ۰/۸۹، معیارهای سرسختانه/بیش‌انتقادی ۰/۶۹ به دست آمده است. در پژوهش حاضر پایایی این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد.

پرسش‌نامه ویژگی‌های شخصیتی نئو^۴: پرسش‌نامه NEO یکی از جدیدترین پرسش‌نامه‌های مربوط به ارزیابی ساخت شخصیت بر اساس دیدگاه تحلیل عاملی است. این آزمون به لحاظ انعکاس ۵ عامل اصلی امروزه به‌عنوان یک مدل فراگیر بر اساس تحلیل عوامل محسوب می‌شود و گستردگی کاربرد آن در ارزیابی شخصیت افراد سالم و نیز در امور بالینی می‌تواند یکی از مناسب‌ترین ابزار ارزیابی شخصیت باشد. این آزمون به دلیل بررسی‌های گوناگون در گروه‌های سنی و در فرهنگ‌های مختلف روی آن صورت گرفته است می‌تواند یکی از جامع‌ترین آزمون‌ها

1. Young Schema Questionnaire
2. Young & Brown
3. Oei & Baranoff
4. Neo Personality Characteristics Questionnaire

در زمینه ارزیابی شخصیت باشد این آزمون موضوع تحقیقات طی ۱۵ سال گذشته بر روی نمونه‌های بالینی و بزرگسالان سالم بوده است. از این رو سودمندی آن هم در جریان‌های بالینی و هم در جریان‌های تحقیقی ارزیابی شده است. پرسش‌نامه شخصیتی NEOPI-R جانشین تست NEO است که در سال ۱۹۸۵ توسط مک‌کری و کاستا^۱ تهیه شده بود. این پرسش‌نامه ۵ عامل اصلی شخصیت و شش خصوصیت در هر عامل یا به عبارتی ۳۰ خصوصیت را اندازه می‌گیرد. و بر این اساس ارزیابی جامعی از شخصیت را ارائه می‌دهد. این پرسش‌نامه دارای دو فرم یکی (S) برای گزارش‌های شخصی است و شامل ۲۴۰ سؤال پنج درجه‌ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف است که توسط خود آزمودنی درجه‌بندی می‌شود و متناسب مردان و زنان در تمام سنین است و دیگری فرم (R) یا تجدیدنظر شده نام دارد و بر اساس درجه‌بندی‌های مشاهده‌گر است. این فرم نیز دارای همان ۲۴۰ سؤال بوده با این تفاوت که با ضمیر سوم شخص شروع می‌شود. فرم (R) هم می‌تواند به‌طور مستقل برای ارزیابی شخصیت به کار رود و هم به‌عنوان مکملی برای گزارش‌های شخصی فرم (S) و یا روایی آن مورد استفاده قرار گیرد (گروسی فرشی، مهریار و قاضی طباطبایی ۱۳۸۰). این پرسش‌نامه فرم کوتاهی نیز به نام (NEO-FFI) نیز دارد که یک پرسش‌نامه ۶۰ سؤالی است و برای ارزیابی ۵ عامل اصلی شخصیت به کار می‌رود اگر وقت اجرای تست خیلی محدود باشد و اطلاعات کلی از شخصیت کافی باشد از این پرسش‌نامه استفاده می‌شود. از سوی دیگر اجرای این آزمون از نظر هزینه و زمان مقرون به صرفه است مقیاس‌های آن از اعتبار بالایی برخوردارند و همبستگی بین مقیاس‌ها زیاد است و از همه مهم‌تر این آزمون بر خلاف سایر آزمون‌های شخصیتی، انتقادات کمتری بر آن وارد شده است. در هنجاریابی این آزمون که توسط گروسی فرشی و همکاران (۱۳۸۰) روی نمونه‌ای با حجم ۲۰۰۰ نفر انجام شد، ضرایب همبستگی پنج عامل اصلی بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ گزارش شد و روایی هم زمان این ابزار با پرسش‌نامه شخصیتی آیسنک^۲ مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که ضریب همبستگی ۰/۶۸ بود که از لحاظ آماری معنی‌دار بوده است. در پژوهش حاضر، پایایی این آزمون از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به‌دست آمد.

پرسش‌نامه بهزیستی روان‌شناختی^۳: این مقیاس در سال ۱۹۸۹ توسط ریف^۴ ساخته شده است.

1. McKerry & Casta
2. Aysenck
3. Psychological Well-being Questionnaire
4. Carol Reif

این آزمون ۸۴ سؤال و ۶ عامل را دربر می‌گیرد. شرکت‌کنندگان در مقیاسی ۶ درجه‌ای (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) به سؤالات پاسخ می‌دهند. چهل و هفت سؤال، مستقیم و سی و هفت سؤال به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. ریف برای بررسی روایی ابزار و سنجش رابطه آن با سنجه‌هایی که صفات شخصیتی را می‌سنجیدند، و در ضمن شاخص بهزیستی روان‌شناختی نیز به شمار می‌رفتند، از سنجه‌هایی مانند مقیاس تعادل عاطفی برادبورن^۱ (۱۹۶۹)، رضایت زندگی نیوگارتن^۲ (۱۹۶۵) و حرمت خود روزنبرگ^۳ (۱۹۶۵) استفاده کرد (ریف، ۱۹۸۹). این آزمون از ۶ خرده‌مقیاس تشکیل شده است: خرده‌مقیاس رضایت از زندگی که متشکل از ۱۹ سؤال است، خرده‌مقیاس معنویت که دارای ۱۳ سؤال است، خرده‌مقیاس شادی و خوش‌بینی که ۱۹ سؤال از پرسش‌نامه را به خود اختصاص داده است، خرده‌مقیاس رشد و بالندگی فردی که شامل ۸ سؤال است. خرده‌مقیاس ارتباط مثبت با دیگران که متشکل از ۸ سؤال است و بالاخره خرده‌مقیاس خود، پیروی از ۱۰ سؤال را شامل می‌شود. بیشترین نمره در این پرسش‌نامه ۴۲۰ و کمترین نمره ۸۴ می‌باشد. بهزیستی روان‌شناختی از طریق دو روش همسانی درونی و باز آزمایی مورد سنجش قرار گرفته است. به منظور برآورد همسانی دورنی مقیاس از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده است، ضریب قابلیت اعتماد کل مقیاس ۰/۹۴ است. این ضریب در آزمون‌های فرعی بین ۰/۹۰ و ۰/۶۲ به‌دست آمده است. مقیاس تدوین شده بهزیستی روان‌شناختی در دو نوبت به فاصله زمانی دو هفته بر روی گروه واحدی از آزمودنی‌ها اجرا گردیده است. ضریب همبستگی به‌دست آمده برای کل مقیاس ۰/۷۶، برای خرده‌آزمون‌های بین ۰/۶۷ تا ۷۳ درصد بوده که همگی در سطح ($P < 0/01$) معنی‌دار است. در ایران طی پژوهشی که با نمونه‌ای دانشجویی انجام شده است، همسانی درونی با بهره‌گیری از آلفای کرونباخ سنجیده شد. نتایج حاصل برای تسلط بر محیط ۰/۷۷، رشد شخصی ۰/۷۸، ارتباط مثبت با دیگران ۰/۷۷، هدفمندی در زندگی ۰/۷۰، پذیرش خود ۰/۷۱، خودمختاری ۰/۷۸، و نمره کلی ۰/۸۲ بود. روایی این مقیاس نیز مناسب برآورد شده است (بیانی، محمد کوچکی و بیانی، ۱۳۸۷). در پژوهش حاضر، پایایی پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به‌دست آمد.

روند اجرای پژوهش

به منظور جمع‌آوری اطلاعات پژوهشگران بعد از مراجعه به مرکز مشاوره پیش، و کسب اجازه

1. Bradborne
2. Newagram
3. Rosenberg

از مسئولان، معرفی خود و ارائه توضیحات کافی در مورد هدف از انجام پژوهش، با کمک مددکار مرکز مشاوره، طی جلسه توجیهی، از زوجینی که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند، خواسته شد به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دهند. اطلاعات در مدت دو ماه جمع‌آوری شد. لازم به ذکر است تقریباً تمامی گدهای اخلاقی مطرح شده توسط انجمن روان‌شناسی آمریکا^۱ مانند جلب رضایت نامه کتبی افراد نمونه، محرمانه ماندن اطلاعات به دست آمده، در این پژوهش رعایت شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

یافته‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون و نرم‌افزار آماری SPSS-22 تحلیل شدند.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیتی شرکت‌کنندگان در جدول‌های ۱ و ۲ درج شده‌اند.

جدول ۱

توزیع گروه‌های سنی و سطح تحصیلات شرکت‌کنندگان

گروه سنی	تعداد	درصد
۲۰-۲۵ سال	۱۰	۲۱/۳
۲۶-۳۰ سال	۳۷	۷۷/۵
۳۱-۴۵ سال	۳	۲/۲
دیپلم	۹	۷/۱
فوق دیپلم	۱۱	۸/۷
لیسانس	۲۷	۷۹/۸
فوق لیسانس	۳	۴/۴

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که بیشتر پاسخ‌دهندگان بین ۲۶ تا ۴۰ سال سن دارند. به علاوه، بیشتر پاسخ‌دهندگان تحصیلات لیسانس هستند و کمترین تعداد مربوط به تحصیلات فوق لیسانس است.

1. American Psychology Association

جدول ۲

ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	برون‌گرایی	-								
۲	سازگاری	۰/۱۲	-							
۳	وظیفه‌شناسی	-۰/۱۶۵	-۰/۳۱	-						
۴	روان‌رنجورخویی	-۰/۱۴	۰/۲۱	-۰/۳۱	-					
۵	پذیرش	-۰/۲۱۵	۰/۱۸	۰/۲۵	-۰/۰۶	-				
۶	بی‌اعتمادی	-۰/۳۰	۰/۱۵	۰/۱۶	-۰/۴۲	-۰/۰۶	-			
۷	شکست	۰/۲۳	۰/۱۹	۰/۲۳	۰/۴۶	۰/۱۵	۰/۵۰	-		
۸	خویش‌داری	۰/۲۵	۰/۱۳	۰/۲۴	-۰/۲۵	۰/۱۳	۰/۵۰	۰/۴۷	-	
۹	محرومیت	۰/۰۴	۰/۱۵	۰/۲۲	۰/۱۹	۰/۰۷	۰/۱۳	۰/۱۴	۰/۲۲	-
۱۰	نقص و شرم	-۰/۰۸	-۰/۱۱	-۰/۲۰	۰/۳۰	-۰/۱۰	-۰/۲۲	۰/۲۷	-۰/۲۵	-۰/۳۳

همان‌طور که نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد، ضریب همبستگی بین بهزیستی روان‌شناختی با پذیرش، وظیفه‌شناسی، روان‌نژندی، و بهزیستی روان‌شناختی با طرحواره بی‌اعتمادی، نقص و شرم است که در سطح $0/001$ معنی‌دار هستند.

جدول ۳

خلاصه مدل رگرسیونی

متغیر	B	انحراف معیار	ضریب β	t	سطح معنی‌داری
برون‌گرایی	۰/۰۲۷	۰/۰۷۷	۰/۱۸۶	۰۳/۱۱۴	۰/۱۳۵
سازگاری	۰/۰۵۴	۰/۰۶۳	۰/۰۴۷	۰/۹۸۷	۰/۳۶۱
وظیفه‌شناسی	۰/۳۱۶	۰/۰۸۲	۰/۲۰۶	۰/۰۱۸	۰/۰۰۰
روان‌رنجورخویی	-۰/۴۱	۰/۱۲	-۰/۳۲	-۳/۳۶	۰/۰۰۱
پذیرش	۰/۴۵۴	۰/۰۶۴	۰/۶۶۳	۷/۰۸۷	۰/۰۰۱
بی‌اعتمادی	-۰/۴۶۶	۰/۰۷۱	-۰/۳۲۲	-۶/۶۵۷	۰/۰۰۰
شکست	۰/۱۵۴	۰/۸۷	۰/۱۱۶	۲/۰۵۹	۰/۰۴۳
خویش‌داری	۰/۱۸۹	۰/۰۷۹	۰/۱۲۶	۲/۵۹۰	۰/۰۱۰
محرومیت	۰/۱۶۶	۰/۰۸۳	۰/۱۱۳	۲/۰۰۹	۰/۰۴۵
نقص و شرم	-۰/۴۶۶	۰/۰۷۱	-۰/۳۲۲	-۶/۶۵۷	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول ۳ می‌توان بیان کرد که متغیرهای پیش‌بین ویژگی‌های شخصیتی و طرحواره‌ها روی هم ۱۶ درصد از بهزیستی روان‌شناختی را در افراد با سابقه‌ی خیانت زناشویی پیش‌بینی می‌کنند ($P < 0/001$).

جدول ۴

ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد متغیرهای پیش‌بین

متغیر	B استاندارد	خطای استاندارد B	β	P
ویژگی‌های شخصیتی	۰/۳۳	۰/۱۱	۰/۳۵	۰/۰۰۷
طرحواره‌ها	۰/۱۶	۰/۱۰	۰/۳۰	۰/۰۰۱

همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، ضرایب استاندارد رگرسیون برای متغیر ویژگی‌های شخصیتی ۰/۳۵ و طرحواره‌های ناسازگار ۰/۳۰ معنی‌دار می‌باشند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که هر دو متغیر پیش‌بین در تبیین متغیر ملاک بهزیستی روان‌شناختی سهم دارند و مشارکت ویژگی‌های شخصیتی بیشتر از متغیر طرحواره‌های اولیه است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه و ویژگی‌های شخصیتی در افراد با سابقه‌ی خیانت زناشویی پرداخته است. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های پذیرش، وظیفه‌شناسی، روان‌نژندی، و طرحواره بی‌اعتمادی، نقص و شرم توانایی پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی در افراد دارای سابقه خیانت زناشویی را دارند. این یافته با پژوهش‌های بختیاری، حسینی، عارفی و افشاری‌نیا (۱۳۹۸)، منصوریان و همکاران (۱۳۹۷)، عنایت غلام‌پور و همکاران (۱۳۹۶)، گلس و رایت^۱ (۱۹۸۸)، ویشمن و دیسلیسکی^۲ (۲۰۰۲) همسو بود. پژوهشگران توان بالای صفات شخصیت در تبیین بهزیستی ذهنی را به عوامل متعددی از جمله زمینه‌های بیولوژیکی و نورونی و نوروترانسمیترها نسبت داده‌اند. آمیگدال، یکی از مهم‌ترین نواحی است که به هیجانات انسان مربوط می‌شود. مطالعاتی نیز، به نقش انتقال دهنده‌های عصبی (دوپامین

1. Glass & Wright
2. Whisman & Delinsky

و سروتونین) را در صفات شخصیت مورد بررسی قرار دادند (لامرز، وسترهوف، آهنگر و بولمایر^۱، ۲۰۱۲). در تبیین یافته می‌توان گفت که صفت پذیرش نیز توانست تمامی مولفه‌های تسلط محیطی، استقلال، روابط مثبت با دیگران، رشد فردی، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود را به صورت مثبت پیش‌بینی نماید. پذیرش، به تمایل فرد برای کنجکاوی، عشق، هنرمندی، انعطاف‌پذیری و خردورزی اطلاق می‌شود؛ هنگامی که این ویژگی در فرد بارز باشد، می‌تواند بر گستره روابط اجتماعی، فراهم نمودن زمینه‌های رشد شخصی و خوش بینی اثر گذاشته، با ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی، ابعاد مختلف فردی را تحت تأثیر قرار دهد، سبب عملکرد مطلوب و رشد باورهای خودکارآمدی در فرد گردد و منجر به افزایش بهزیستی روان‌شناختی می‌شود (ترابیان، عامری، و خدابخش، ۱۳۹۵). از سویی وظیفه‌شناسی تمایل فرد برای منظم بودن، کارا بودن، قابلیت اعتماد و اتکا، خودنظم‌بخشی و پیشرفت‌مداری است، بنابراین افرادی که صفت وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری بالاتری دارند، در بسیاری از مواقع در تصمیمات روزمره مستقل عمل می‌نمایند در چنین حالتی شرایط مساعد برای رشد و بالندگی فرد ایجاد شده و در نتیجه بهزیستی روان‌شناختی افزایش خواهد یافت. هم‌چنین روان رنجورخویی به تمایل فرد برای تجربه اضطراب، تنش، ترحم‌جویی، خصومت، تکانشوری، افسردگی و عزت نفس پایین بر می‌گردد. افرادی که صفت روان رنجورخویی در آن‌ها قوی‌تر از سایر صفات شخصیتی است، مکرراً در وضعیت‌های سلامت و بهزیستی نمرات پایین‌تری کسب می‌کنند (عنایت غلام‌پور و همکاران، ۱۳۹۶). افراد روان‌رنجورخو به آنچه دارند، یا به اتفاقاتی که پیرامون آنان رخ می‌دهد، با یک ارزیابی و نگاه منفی به تفسیر، نتیجه‌گیری و عمل می‌پردازند؛ بنابراین، چنین ویژگی‌هایی می‌تواند روابط اجتماعی آنان را محدود و یا دچار آسیب کند؛ خودشکوفایی و زمینه‌های آن را سست و تضعیف نماید در چنین حالتی شرایط مساعد برای رشد و بالندگی را از فرد سلب نموده و در نتیجه بهزیستی روان‌شناختی را خدشه دار می‌سازد (دستجردی، فرزاد و کدیور، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، تجارب ناگوار دوران کودکی به‌عنوان زیرساخت‌های شناختی که منجر به تشکیل باورهای غیرمنطقی می‌شوند و رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهند، نتیجه منفی این افکار اغراق‌آمیز و باورهای غیرمنطقی و ناکارآمد، وجود اختلالات روان‌شناختی مثل اضطراب، افسردگی

است. به گونه‌ای که افرادی که دارای طرحواره‌های منفی‌گرایی و بدبینی هستند بیشتر به جنبه‌های منفی زندگی خود (مثل درد، مرگ، فقدان، ناامیدی و...) توجه نموده و نسبت به جنبه‌های مثبت بی‌توجه هستند. حضور طولانی مدت هیجانات منفی منجر به کاهش بهزیستی ذهنی روان‌شناختی می‌شود (بورنز، آنستی ویندزور^۱، ۲۰۱۱). از دیگر یافته‌های پژوهش این بود که طرحواره بی‌اعتمادی توان پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی را در افراد دارای سابقه خیانت زناشویی دارد، در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که طرحواره بی‌اعتمادی از عدم ارضای نیاز دل‌بستگی ایمن به دیگران در محیط امن خانواده شکل می‌گیرد. این طرحواره به واسطه ارتباطات محدود و آسیب‌دیده کودکی شکل گرفته که می‌تواند بر تمامی ابعاد بهزیستی روانی اثر نامطلوب بگذارد. هم‌چنین بستر ارتباطات محدود می‌تواند شکل دهنده طرح‌واره بی‌اعتمادی بدرفتاری باشد که در قالب چرخه‌ای معیوب، به تعاملات فردی افراد آسیب می‌رساند. به عبارت ساده‌تر طرحواره بی‌اعتمادی باعث بروز رفتارهایی در فرد می‌شوند که این رفتارها باعث می‌شود باور غلط آن‌ها بیش از پیش تقویت شود. به‌طور مثال، اگر فردی تله بی‌اعتمادی بدرفتاری داشته باشد، باور دارد دیگران به او خیانت می‌کنند. بنابراین به گونه‌ای با دیگران رفتار می‌کند که دیگران واقعاً با او بد رفتاری کنند و درنهایت او را فریب دهند و این عوامل زمینه‌ساز کاهش بهزیستی روان‌شناختی خواهد شد (منصوریان و همکاران، ۱۳۹۷). هم‌چنین افرادی که طرح‌واره نقص و شرم دارند معتقدند افرادی ناقص، معیوب، حقیر، بد، بی‌ارزش هستند. در نتیجه اغلب در مورد خویش، احساس شرمندگی می‌کنند. تقریباً می‌توان گفت تمام ویژگی‌های شخصیتی خود را با این دید نگاه می‌کنند. آن‌ها معتقدند بی‌نهایت عصبانی، نیازمند، کسل‌کننده، عجیب و غریب، مطیع و ضعیف هستند. گاهی اوقات نسبت به کارهایی که انجام نمی‌دهند، سخت احساس بی‌کفایتی می‌کنند، از برقراری ارتباط با دیگران می‌ترسند، زیرا ترسی اجتناب‌ناپذیری دارند از این که نقص‌هایشان برملا شود. هر لحظه ممکن است مردم نقص‌های آن‌ها را ببینند و این حادثه باعث شرمندگی آن‌ها شود. این ترس می‌تواند با دنیای خصوصی یا عمومی آن‌ها مرتبط باشد و به همین دلیل عموماً بهزیستی روان‌شناختی پایینی را گزارش می‌دهند.

پژوهش حاضر در کنار یافته‌های خود دارای محدودیت‌هایی نیز بود؛ نمونه مورد استفاده شامل

زوجین شهر گرگان بود، بنابراین، تعمیم یافته‌های پژوهش به سایر شهرها با محدودیت مواجه است. از این رو به سایر محققان پیشنهاد می‌شود برای اطمینان از نتایج، این بررسی را در سایر شهرها انجام دهند. اتکای یافته‌های پژوهش به داده‌های حاصل از گزارش شخصی افراد نیز به‌عنوان یکی دیگر از محدودیت‌ها، قابل ذکر است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در تحقیقات بعدی از روش‌های کیفی و کمی همزمان بهره‌مند شوند.

سپاس‌گزاری

نگارندگان مراتب تشکر صمیمانه خود را از کلبه شرکت‌کنندگان در این پژوهش که با سعه صدر، همکاری نموده و ما را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام می‌نمایند.

منابع

فارسی

- احمدی، سحر؛ ماردپور، علیرضا؛ و محمودی، آرمین. (۱۳۹۹). اثربخشی طرحواره درمانی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه، افزایش کیفیت زندگی و رضایت زناشویی در زوجین متقاضی طلاق در شهر شیراز. *مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۱۱(۴۱)، ۷۰-۵۳.
- آهی، قاسم. (۱۳۸۵). *هنجاریابی نسخه کوتاه پرسش‌نامه‌ی طرحواره‌ی یانگ*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- بختیاری، انسیه؛ حسینی، سعیده؛ عارفی، مختار؛ و افشاری‌نیا، کریم. (۱۳۹۸). مدل علی روابط فرازناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه: نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی و سبک‌های عشق‌ورزی. *آموزش بهداشت و ارتقای سلامت*، ۷(۲)، ۲۴۵-۲۵۸.
- ترابیان، لیلا؛ عامری، فریده؛ و خدابخش، روشنک. (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیت و سبک دلبستگی همسران بی‌وفا، خیانت دیده و عادی. *مطالعات روان‌شناختی*، ۱۱(۲)، ۱۱۷-۱۰۹.
- خیاط، ابراهیم؛ عطاری، یوسفعلی؛ و کرای، امین. (۱۳۹۷). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار با گرایش به خیانت: نقش تعدیل‌گر تعهد مذهبی. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۶(۲)، ۴۲-۵۴.
- دستجردی، رضا؛ فرزاد، ولی‌الله؛ و کدیور پروین. (۱۳۹۰). نقش پنج عامل بزرگ شخصیت در

پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند*، ۱۸ (۲)، ۱۳۳-۱۲۶.

دهقانی، یوسف و حکمتیان‌فرد، صادق. (۱۳۹۸). نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه، سیستم فعال سازی- بازدارنده رفتاری و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در پیش‌بینی اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری. *فصلنامه کودکان استثنایی*، ۱۹ (۴)، ۹۰-۷۷.

شاهمرادی، ذبیح‌الله؛ خالقی‌پور، شهناز؛ و مسجدی، محسن. (۱۳۹۷). مقایسه اثربخشی طرحواره درمانی و شناخت درمانی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر طرحواره‌های ناسازگار و سلامت عمومی بیماران مبتلا به ویتیلیگو. *نشریه مدیریت ارتقای سلامت*، ۷ (۶)، ۱۰۷-۹۴.

شهامت، فاطمه؛ ثابتی، علیرضا؛ و رضوانی، سمانه. (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه. *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۱ (۲)، ۲۵۴-۲۳۹.

صادقی، سمیه. (۱۳۹۴). *بررسی ارتباط خوشبینی با بهزیستی روان‌شناختی و سبک‌های مقابله‌ای در دانشجویان، فنون خانواده درمانی*. تهران: انتشارات رشد.

عنایت غلام‌پور، منیره؛ عبدالله‌زاده، حسن؛ امیرشاهی، مهربانو؛ و ثناگو، اکرم. (۱۳۹۶). ارتباط ویژگی‌های شخصیتی، الگوهای ناسازگار اولیه، خوش‌بینی و بدبینی با توجیه خیانت‌ناشویی در افراد متأهل. *روان‌پرستاری*، ۵ (۲)، ۱۴-۸.

کریمی، سارا؛ یوسفی، رحیم؛ و سلیمانی، مهران. (۱۳۹۶). نقش صفات بنیادی شخصیت در پیش‌بینی مؤلفه‌های خیانت‌ناشویی از دیدگاه دانشجویان. *روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ۱۵ (۲)، ۹۷-۱۰۹.

گروسی فرشی، میرتقی؛ مهریار، امیرهوشنگ؛ و قاضی طباطبایی، محمود. (۱۳۸۰). کاربرد آزمون جدید شخصیتی نئو (NEO) و بررسی تحلیل ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران. *علوم انسانی الزهرا*، ۱۱ (۳۹)، ۱۹۸-۱۷۳.

منصوریان، جمیله؛ خلعتبری، جواد؛ ترخان، مرتضی؛ قربان‌شیرودی، شهره؛ و زربخش، محمدرضا. (۱۳۹۷). مقایسه اثربخشی ایماگوتراپی و زوج درمانی هیجان‌مدار بر بهزیستی روان‌شناختی زوجین ناسازگار و درگیر خیانت. *مجله دانشکده پزشکی دانشکده علوم پزشکی مشهد*، ۶۱ (۱)، ۱۸۲-۱۹۲.

لاتین

Baugh, L. M., Cox, D. W., Young, R. A., & Kealy, D. (2019). Partner trust and childhood emotional maltreatment: The mediating and moderating roles of

- maladaptive schemas and psychological flexibility. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 12, 66-73.
- Burns, R. A., Anstey, K. J., & Windsor, T. D. (2011). Subjective well-being mediates the effects of resilience and mastery on depression and anxiety in a large community sample of young and middle-aged adults. *Australian & New Zealand Journal of Psychiatry*, 45(3), 240-248.
- Buss, D. M., & Shackelford, T. K. (1997). Susceptibility to infidelity in the first year of marriage. *Journal of Research in Personality*, 31(2), 193-221.
- Calvete, E., Orue, I., & Hankin, B. L. (2015). A longitudinal test of the vulnerability-stress model with early maladaptive schemas for depressive and social anxiety symptoms in adolescents. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 37(1), 85-99.
- Cannon, R., Lubar, J., & Baldwin, D. (2008). Self-perception and experiential schemata in the addicted brain. *Applied Psychophysiology and Biofeedback*, 33(4), 223-238.
- Glass, S. P., & Wright, T. L. (1988). Clinical implications of research on extramarital involvement. In R. A. Brown & J. R. Field (Eds.), *Treatment of sexual problems in individual and couples therapy* (pp. 301-346). PMA Publishing Corp.
- Lamers, S. M., Westerhof, G. J., Kovacs, V., & Bohlmeijer, E. T. (2012). Differential relationships in the association of the Big Five personality traits with positive mental health and psychopathology. *Journal of Research in Personality*, 46(5), 517-524.
- Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. *Archives of Sexual Behavior*, 40(5), 971-982.
- Oei, T. P., & Baranoff, J. (2007). Young Schema Questionnaire: Review of psychometric and measurement issues. *Australian Journal of Psychology*, 59(2), 78-86.
- Ryff, C. D. (1989). Happiness is everything, or is it? explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57, 1069-1081.
- Whisman, M. A., & Delinsky, S. S. (2002). Marital satisfaction and an information-processing measure of partner-schemas. *Cognitive Therapy and Research*, 26(5), 617-627.
- Young, J., & Brown, G. (1998). *Young Schema Questionnaire Short Form*. New York, NY: Cognitive Therapy Center.

